



متکثر و دارای گفتمان، باورها و ارزش‌های متفاوت و احتمالاً دوقطبی نیز است. بنابراین اختلاف رویکرد و منافع وجود دارد.»
بااین‌همه او معتقد است، تنها موردی که باید درباره آن توافق قطعی دانست، نحوه حل اختلافات است. برای رسیدن به این توافق باید از بطن جامعه و مردم کمک گرفت. یعنی باید نظر و خواست اکثریت را پذیرفت اما آنچه امروز در جامعه رخ داده این است که عده‌ای اساساً به چنین گزاره‌ای اعتقاد ندارند، درواقع این عده حق حاکمیت مردم را نمی‌پذیرند: «باور و پذیرش حق حاکمیت مردم، باعث می‌شود که در مقاطع مختلف بنا به خواست مردم قانون‌های متفاوتی تصویب و اجرا شود. مبنای مشترک این قانون‌گذاری پذیرش و نظر و حمایت مردم است. اما اگر به این اصل اعتقادی نداشته باشیم، قانون‌گذاری به‌نحوی انجام می‌شود که مغایر با خواست مردم است.» این فعال سیاسی تأکید می‌کند که اختلاف‌نظرها و تفاوت در رویکردها هیچ‌یک اهمیت تعیین‌کننده‌ای ندارند، بلکه آنچه را که نباید درباره آن اختلاف‌نظر داشت، شیوه حل اختلافات و انتخاب مسیری است که با وجود همه اختلاف‌ها بتوانیم به تفاهم عملی و نهایی برسیم و این گزاره‌ای است که عده‌ای نمی‌پذیرند: «آنها می‌گویند ما حق حاکمیت مردم را قبول نداریم، مثلاً تنها اسلام را می‌پذیریم. البته تعریف آنها از اسلام هم برداشت‌های شخصی خودشان است و هرآنچه زورشان می‌رسد را به نام اسلام انجام می‌دهند.» او به رفتارهای صورت‌گرفته درباره حجاب هم اشاره می‌کند: «ما نمی‌دانیم به‌جز زور مبنای منطقی متولیان این نوع برخوردها برای اقدامات‌شان چیست. مثلاً می‌گویند بی‌حجابی، بی‌عفتی را ترویج می‌دهد، می‌توان ثابت کرد که در بسیاری از کشورها داشتن حجاب اجبار نیست، اما جامعه آنها نسبت به ایران سالم‌تر است. گاهی می‌گویند حجاب قانون است درحالی‌که قانون قابل تغییر است و مشکلی دراین‌زمینه وجود ندارد. گاهی می‌گویند این اجبار و برخوردها خواست مردم است، باید در این حوزه به نظر‌سنجی ارجاع کنند، زیرا نظر‌سنجی‌ها نشان داده که حتی بخشی از جامعه که حجاب را پذیرفته و رعایت می‌کنند، با الزامی کردن حجاب مخالفند. بنابراین مبنای عملکرد این عده مشخص نیست، به‌همین دلیل هم نمی‌توان با این گروه گفت‌وگو کرد و به نتیجه رسید.»
عبدی اضافه می‌کند که این عده در خیلی از مسائل از منطقی دوگانه تبعیت می‌کنند و رفتار جناحی و خودمحوربودن هم در همین نقطه خود را نشان می‌دهد: «مثلاً در زمان ریاست‌جمهوری حسن روحانی، اگر قیمت‌ها افزایش می‌یافت فریاد وااسلامای‌شان بلند می‌شد. چنانکه آغاز اعتراضات سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ هم کار همین گروه بود. امروز قیمت‌ها به‌شکل سرسام‌آوری افزایش داشته اما درباره آن سکوت یا امر به تحمل می‌کنند و حتی آن را مورد حمایت قرار می‌دهند. یا در آن زمان اگر فسادی میان منصوبان دولتی رخ می‌داد، موضوع را در بیوق و کرنا می‌کردند که البته ایرادی نداشت، اما امروز از کنار بزرگترین

محمد علی‌الستی جامعه‌شناس: در فضای دوقطبی، منافع گروهی کوچک بر منافع دیگران ترجیح داده می‌شود و اگر این گروه در هر یک از ارکان حاکمیت صاحب قدرتی شوند، سعی می‌کنند دنبال منافع کوتاه‌مدت، سطحی و جز‌نگر خود باشند و دیگران را حذف کنند. اگر پدیده دوقطبی‌شدن که یک مسئله یا آسیب اجتماعی به حساب می‌آید ادامه پیدا کند، منجر به انقطاع یا گسست و در شرایطی شدیدتر، به شکاف یا فاصله، تعارض، تضاد، تقابل و در نهایت برخورد ختم می‌شود که می‌تواند فروپاشی اجتماعی را به دنبال داشته باشد

فسادها می‌گذرند و درباره آن سکوت می‌کنند و ماله می‌کشند. مشکل اصلی این است که افرادی به هر قیمت، طالب قدرتند و حقیقت و اخلاق برایشان معنا ندارد، تنها منافع خودشان اهمیت دارد. اگر کسی از خودشان مرتکب فساد شود، پرونده را پیگیری نمی‌کنند. اگر فرد دیگری حتی مرتکب اشتباهی شود ولو فرد محترمی باشد، علیه او اقدام می‌کنند. به‌همین دلیل شاهد معیارهای به‌شدت دوگانه در برخورد با افراد هستیم.»

▼ انکار بلوغ جامعه و ایجاد تنش

فاطمه علمدار، جامعه‌شناس و روانشناس اجتماعی اما چالش‌های دوقطبی‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های حوزه زنان را بررسی می‌کند. او به هم‌میهن می‌گوید: «درحال حاضر این مشکل وجود دارد که میزان تغییرات و رشدی که در جامعه رخ داده و میزان تغییر و رشد در ساحت ساختار سیاسی کشور متناسب با یکدیگر نیستند. یعنی ساختار حکمروایی بسترهای آموزشی را در کشور فراهم و فضای مجازی و رسانه‌ای را گسترش داده که این موضوع به افزایش آگاهی اجتماعی در کشور منجر شده و گستره نگاه مردم در چهار دهه اخیر تغییرات چشمگیری داشته است. اما ساختار حکمروایی همچنان با همان نگاه اولیه‌ای که درباره رابطه حاکمان و مردم داشت، پیش می‌رود.» او معتقد است که عواملی مانند قدرت‌یافتن جامعه و انکار آن توسط ساختار سیاسی، انتظار اطاعت محض از قوانین مصوب‌شده در سال‌های قبل و نپذیرفتن تغییرات اجتماعی باعث شده که به یک وضعیت دوگانه‌ای برسیم: «گویا ساختار حکمروایی نمی‌خواهد بپذیرد، جامعه‌ای که به آن فرصت رشد داده، قاعده‌تاً تغییر کرده است و نمی‌خواهد پیامدهای قطعی این رشد را بپذیرد. امروز جامعه از ساختار سیاسی جلو افتاده، درحالی‌که ساختار حاکم نمی‌تواند خود را با این تغییرات اجتماعی همگام و همراه کند و به‌همین دلیل هم تعارض شدیدی رخ داده است.»

▼ سیاست انکار در ساختار حکمرانی

به‌نظر می‌رسد وقتی تصمیم‌گیری مربوط به حوزه‌های تأثیرگذار بر زیست زنان است، این فضای دوقطبی و سختگیری‌ها افزایش می‌یابد، این معضل از کجا ناشی می‌شود؟ علمدار در پاسخ به این سوال توضیح می‌دهد: «شدت‌گرفتن این سختگیری‌ها و دوقطبی‌ها در حوزه زنان از آنجا ناشی می‌شود که مسائل زنان بر جسته‌تر از سایر مسائل اجتماعی شده، درحالی‌که ساختار حاکم، در همه حوزه‌ها حتی حوزه پوشش مردان هم نگاه سختگیرانه دارد، مثلاً شلوارک پوشیدن مردان هنوز هم برایشان پذیرفته نیست.» این جامعه‌شناس تأکید می‌کند که امروز در ساختار سیاسی، شاهد نوعی مقاومت در برابر هر نوع تغییریم: «وقتی مسئولان به ایجاد بسترهای رشد جامعه مانند توسعه دانشگاه‌ها و... افتخار می‌کنند، باید پیامدهای ناگزیر این تغییرات را هم پذیرفته و به آن تن دهند.» او معتقد است: در حوزه زنان به این دلیل مقاومت در برابر تغییرات بیشتر است که ساختار حاکم براساس باورهای تاریخی، از زنان انتظار اطاعت دارد، درحالی‌که وضعیت زنان در ۴۰ سال گذشته تغییر زیادی داشته: «مثلاً در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ تعداد زنانی که از مقطع دکتری فارغ‌التحصیل شدند بیش از دوبرابر شده است. در سال ۱۳۹۷ به‌ازای هر دو مرد، یک زن مدرک دکتری گرفت. نکته این است که با وجود رشد حضور زنان در فضای آموزشی و به‌تبع آن بالا رفتن سطح انتظارات آنها، نرخ مشارکت زنان در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی از میانگین جهانی بسیار پایین‌تر است. ساختار سیاسی بدون توجه به تغییرات اجتماعی و نیازهای امروز زنان، همان اطاعتی را از زنان امروز انتظار دارند که از زمان دهه ۶۰ انتظار داشتند یا همچنان بعد از گذشت ۲۰ سال از همان ابزار تنبیهی در جامعه استفاده می‌کنند که در دهه ۸۰ و تحت عنوان گشت ارشاد استفاده کرده‌اند؛ راهکاری که مناسب نیست و به‌نظر می‌رسد ساختار حکمرانی، راه انکار را در پیش گرفته و نمی‌خواهد حقیقت را بپذیرد.» بنا بر اعلام این جامعه‌شناس، امروز خشونت مردان علیه مردان بسیار جدی‌تر از خشونت زنان علیه زنان است؛ اصرار بر ناتوانی مردان در کنترل نیازهای جنسی دائماً؛ سویی مردان مورد تأکید قرار می‌گیرد، اینس موضوع باعث می‌شود مردان موجوداتی ناتوان توصیف شوند و حرمت‌شان زیر سوال برود. این تفکر درواقع نشانه‌ای از خشونت مردان علیه مردان است.

▼ ۳ درصد آماده برخورد با بی‌حجاب‌ها

این روانشناس اجتماعی تأکید می‌کند که آنچه ما نیاز داریم نهادها یا ایجاد روایت‌های مشترکی است که تعاریف و تعاملات جنسیتی موجود در جامعه را بازنگری کنند؛ البته جامعه درون خود بازنگری را انجام داده و به‌نوعی از صلح و وضعیت مسالمت‌آمیز رسیده که علت آن، رشد جامعه است. اما ساختار حکمروایی نمی‌خواهد این بازنگری را بپذیرد. ازاین‌حیث است که با وجود همه قانون‌گذاری‌ها و مباحثی که برای محدود نگه‌داشتن زنان و اعمال تبعیض‌های جنسیتی انجام شده، درون جامعه و درون خانواده‌ها قوانین و نگاه‌های تبعیض‌آمیز روزبه‌روز کمرنگ‌تر می‌شود. گواهی بر این ادعا هم، موج چهارم سنسجش

ارزش‌ها و نگرش‌ها بود. او ادامه می‌دهد: «این مطالعه آبان‌ماه ۱۴۰۲ توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و البته از طرف ساختار حاکم انجام شد. براساس این سنسجش حدود ۶۰ درصد از پرسش‌شوندگان عقیده داشتند که باید حق طلاق به زن و مرد داده شود. ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان هم با برابری ارث میان زن و مرد موافق بودند. جالب اینکه، در بحث حجاب ۴۰ درصد از مشارکت‌کنندگان اعلام کرده بودند که اگر چه با بی‌حجابی مخالفند اما کاری هم با افراد بی‌حجاب ندارند. این مسئله نشان می‌دهد که جامعه درون خود توانسته به‌صورت مسالمت‌آمیز مسائل را حل کند، در همین سنسجش تنها ۱/۹ درصد افراد گفته بودند که در صورت برخورد با فرد بی‌حجاب او را به مراجع ذی‌ربط ارجاع می‌دهند. ۱/۲ درصد اعلام کرده بودند که به بی‌حجاب‌ها تذکر می‌دهند. یعنی با وجود همه مباحثی که در دو سال گذشته مطرح و از مردم خواسته شد که در مقابله با بی‌حجابی همکاری کنند اما تنها ۳ درصد جامعه نسبت به افراد بی‌حجاب واکنش نشان می‌دهند و از این میزان هم تنها یک درصد خودشان مستقیم وارد عمل می‌شوند و دو درصد دیگر موضوع را به مراجع دیگر ارجاع می‌دهند.» علمدار ادامه می‌دهد: «درحالی‌که تنها ۳ درصد جامعه موافق برخورد با افراد بی‌حجاب هستند، ما شاهد فضایی تنش‌آلودیم که ماموران گشت ارشاد مجبورند از ماسک استفاده کرده و صورت خود را بپوشانند یا از فیلمبرداری مردم از نحوه عملکردشان ممانعت کنند. این موضوع نشان می‌دهد که آمران به معروف کاملاً آگاه هستند که عموم جامعه با آنها موافق نیستند. ازطرف دیگر همانطور که در ویدئویی که در فضای مجازی منتشر شد، مشخص است، در یکی از موارد برخورد با مسئله حجاب، مردم جلوی نیروهای انتظامی را گرفتند.» او این فضای تنش‌آلود را ناشی از انکار بلوغ جامعه توسط ساختار سیاسی می‌داند.

▼ دوقطبی‌سازی؛ جریان رو به زوال

غلامرضا نوری قز لجه، نماینده مجلس یازدهم، در گفت‌وگو با هم‌میهن چرایی وجود نگاه دوقطبی و جناحی در تصمیم‌گیری‌های مجلس را بررسی می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه نگاه‌های جناحی و سیاسی بر تصمیمات و اقدامات مجلس سایه افکنده است. در این مجلس نوعی یکدستی جناحی حاکم است، هر چند من و دوستان همفکر اقلیتی را در مجلس تشکیل دادیم که دیدگاه‌های‌مان مخالف دیدگاه‌های اکثریت بود.» به گفته او، دیدگاه بیشتر نمایندگان مجلس در جامعه در اقلیت است و برای اینکه بتوانند دیدگاه‌های خود را بر جامعه حاکم کنند، از ترند «دوقطبی‌سازی» استفاده می‌کنند تا در خارج از مجلس هم پشتوانه‌ای برای نظرات و مصوبات خود بیابند: «این عده از طریق دوقطبی‌سازی به یک انسجام درونی در جناح سیاسی خودشان در مجلس می‌رسند، همچنین بخشی از جامعه را که در اقلیت قرار دارند، به دنبال خود راه انداخته و ادعا می‌کنند که آنها همراه‌شان هستند. این گروه به اینکه چند درصد جامعه با آنها همراهی دارد توجهی نمی‌کنند.» او به این موضوع هم اشاره می‌کند که یک جریان فکری که احساس می‌کند رو به زوال است، معمولاً سعی می‌کند در کف جامعه از طریق دوقطبی‌سازی طرفدارانی پیدا کرده و خود را زنده نگه دارد: «این طرفدارانی‌سازی در مسائل فرهنگی و طرح‌هایی مانند صیانت از فضای مجازی، لایحه حجاب، اصلاح قانون انتخابات مجلس و تصویب قانون لغو تحریم‌ها خود را نشان داده است. در برخی موارد هم این جریان منتفع شده‌اند. این جریان فکری در اقلیت، حالا به انسجام رسیده است. این گروه برای مصوبه اصلاح قانون انتخابات مجلس توانستند ازطریق دوقطبی‌سازی رای بگیرند یا درباره لایحه حجاب توانستند در جامعه فضای دوقطبی ایجاد کنند.» قزله‌با تأیید تشدید سختگیری‌ها و دوقطبی‌سازی‌های مجلس در حوزه مصوبات مرتبط با زنان می‌گوید: «به‌عنوان مثال لایحه تأمین خشونت علیه زنان که البته درحال حاضر تغییر نام داده، ماه‌هاست وارد دستور کار مجلس شده اما هنوز نوبت به بررسی آن نرسیده است و فکر می‌کنم در این مجلس اراده‌ای برای تصویب آن نیست. به هر حال نگاه جناحی که اکثریت مجلس را در اختیار دارد، نگاه شرعی و عرفی درستی نسبت به زنان ندارد.»

براساس اعلام او، ۶۰ درصد از مردم در انتخابات مجلس یازدهم شرکت نکردند و همه ۴۰ درصد شرکت‌کنندگان هم به این جریان فکری رای نداده بودند، این موضوع نشان می‌دهد که جریان مذکور در جامعه در اقلیت است اما بلندگوها، ابزارها و زو و زور دست این گروه است و اقدامات خود را به پای خواست مردم می‌گذارند. از طرف دیگر دولت هم بخشی از همین جریان فکری اقلیت است که به‌دنبال دوقطبی‌سازی هستند تا بتوانند در جامعه نفوذ داشته باشند. قزله‌جه معتقد است که بخشی از تفکر جناحی و تصمیم‌گیری بر این اساس در مجلس طبیعی است و می‌توانست مشکل ساز نشود، به شرط اینکه همه جامعه در انتخابات مشارکت می‌کردند و همه دیدگاه‌ها و سلاشق سیاسی می‌توانستند در مجلس نماینده داشته باشند: «در چنین شرایطی می‌توانستیم امیدوار باشیم در مجلس قوانین کارآمد و پخته‌ای تصویب شود، اما مجلس یازدهم محصول مشارکت تنها ۴۲ درصد جامعه در انتخابات بود.»

خبرسازان



سربازان تشویقی می‌گیرند

سردار موسی کمالی، مشاور عالی فرمانده قرارگاه مرکزی مهارت‌آموزی کارکنان وظیفه نیروهای مسلح درباره جزئیات اعطای مشوق‌های مهارت‌آموزی و شرایط به‌رمه‌مندی از آن‌ها گفت: «به‌منظور ترویج فرهنگ مهارت‌آموزی، ایجاد انگیزه و تشویق جوانان به مهارت‌آموزی، مشوق‌هایی برای سربازانی که قبل از اعزام به خدمت مهارت‌یادی می‌گیرند، در نظر گرفته شده است.» به گزارش مهر او گفت: «اعطای یک‌ماه کسری خدمت، تعیین سازمان محل خدمت، تعویق اعزام به مدت حداکثر ۶ ماه، انتخاب استان محل خدمت، بخشش اضافه‌خدمت سنواتی سربازان، استفاده از یک‌ماه مرخصی، اعطای یک‌درجه بالاتر، استفاده از سرباز ماهر به‌عنوان کمک‌مریبه و مربی در نیروهای مسلح، به‌کارگیری تخصصی در داخل نیروهای مسلح و اولویت برای استخدام در نیروهای مسلح ازجمله مشوق‌های موجود برای سربازان است. هر فرد حداکثر از یک مشوق می‌تواند استفاده کند و حین ثبت‌نام براساس اولویت‌بندی، می‌توانند تا ۴ مشوق را برای خود انتخاب‌کنند.»



تدوین یک لایحه برای مادران دارای ۳ فرزند

مدیرکل سلامت شهرداری تهران از تدوین لایحه ارائه خدمات رفاهی به تهرانی‌ها در قرارگاه جوانی جمعیت شهرداری خبر داد. حمید صاحب در گفت‌وگو با ایسنا، در مورد فعالیت قرارگاه جوانی جمعیت شهرداری تهران گفت: «در قانون جوانی جمعیت وظایفی برعهده شهرداری تهران گذاشته شده است که بر مسائل فرهنگی، زیرساختی و... تأکید دارد.» او با بیان اینکه ما مکلف هستیم برای مادران دارای سه‌فرزند و بالاتر خدمات‌ای ارائه کنیم که بخشی از این وظایف تکلیف است و بخشی رانیز ما در شهرداری تهران داوطلبانه انجام می‌دهیم، گفت: «موضوعاتی همچون تکریم مادران، توجه به مادران دارای سه فرزند را موردتوجه قرار داده و در نظر داریم به‌صورت سیستماتیک شرایط رفاهی را در حوزه شهری داشته باشیم. همچنین تکلیفی برای شهرداری است که این مادران از تخفیفات حمل‌ونقل عمومی بهره ببرند و باید تسهیلات در نظر گرفته شود.»



افزایش ۳ برابری خط فقر سرانه در ۳ سال اخیر

روزبه کردونی، رئیس سابق مرکز پژوهش‌های تأمین اجتماعی گفت: «در سه سال اخیر، خط فقر سرانه سه برابر شده است.» به گزارش خبرآنلاین، رئیس سابق مرکز پژوهش‌های تأمین اجتماعی با اشاره به اینکه مطابق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در سالیان اخیر هم فقر در فقرا عمیق‌تر شده است، هم افراد غیرفقیر فقیرتر شده‌اند و به‌عبارت‌دیگر طبقه متوسط فقیرتر شده است، گفت: «مطابق گزارش‌های منتشرشده مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، خط فقر سرانه مطلق کشور در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۰ بیش از سه برابر شده است و به‌رغم آنکه گفته می‌شود کشور رشد اقتصادی را تجربه می‌کند، نه‌تنها از جمعیت زیر خط فقر سرانه کل کشور کم نشده، بلکه فقر در کشور پایدار شده است. دیگر شاخص‌های مربوط به فقر هم از بدترشدن وضعیت حکایت دارد.»